

ادامه از صفحه اول

مجلس اول بهترین بود؟

...اما نظارت درباره قوه قضائیه نظارت استصوابی است، برای اینکه مربوط به درون قوه است. نگارنده از تفسیر شورای نگهبان درباره نظارت استصوابی قانع نشده و با اشاره به تکلیف نظارت بازرسی کل کشور و قوه قضائیه، بر ابهام آن افزوده شد؛ زیرا قوه قضائیه از دایره شمول نظارت خارج است و وظیفه تطبیق موضوع با قانون و شرع در مسائلی که از باب تضییع حقوق عمومی یا حقوق خصوصی به آن ارجاع می‌شود، عمل می‌کند و نه نظارت بلکه قضاوت می‌کند. قانون اساسی وظایف قوه قضائیه را این‌گونه تعریف کرده است: «اعمال قوه قضائیه به‌وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل‌وفصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد». دادگاه‌های دادگستری به دادخواهی مشغول‌اند و دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند و حکم به مجازات و اجرای آن باید فقط از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و مهم‌تر اینکه اصل بر برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. استادی داشتیم در دانشکده حقوق که خدایش رحمت کند، دکتر ابراهیم یاد، از استادان برجسته حقوق جزا، درباره تدوین‌کنندگان قانون جمله‌ای داشت که به لهجه شیرین آذری بیان می‌کرد «اصل بر این است که قانون‌گذار عاقل است» و بالطبع مدوینین قانون اساسی عقلانیت بیشتری برای تدوین اصول قانون اساسی به کار می‌بردند. وقتی در اصل ۹۹ به‌صراحت آمده است «نظارت بر انتخابات»، برمی‌گردد به همان نظارت استطلاعی از نظر شکلی هم اعضای شورای نگهبان در بعضی از انتخابات‌ها مثلاً انتخابات خیرگان رهبری خود جزء کاندیداها هستند و اگر با دید نظارت استصوابی بر عملکرد اعضای شورای نگهبان نسبت به تأیید خود نگاه کنیم آیا نظارت استصوابی با درون‌نظارتی می‌تواند توسط اعضا بر خودشان اعمال واجرا شود؟ با یک مسئله دیگر هم روبه‌رو هستیم، برگزاری انتخابات بر عهده وزارت کشور است نه شورای نگهبان که با درون‌نظارتی بر آن اعمال نظر کند. و اما موضوع ورود نظارت استصوابی در ادبیات سیاسی و حقوقی برمی‌گردد به درخواست تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی توسط یکی از فقهای شورای نگهبان که رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات بود؛ برای نخستین‌بار این سؤال را از شورای نگهبان مطرح کرد که مقصود از نظارت موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی بر انتخابات چیست؛ اصل سؤال به شرح زیر است:

استعلام شماره ۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۲ رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات شورای محترم نگهبان
نظر به اینکه امر انتخابات از امور مهمه کشور است و امت اسلامی با رشد انقلابی در تمام دوره‌های اخذ رای به نحو چشمگیر در انتخابات شرکت نموده‌اند و به‌معد نیز باید به نحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم همچنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات رعایت بی‌طرفی کامل معمول گردد و در این خصوص در کیفیت اجرا و نظارت کادی شائبه تداخل مطرح می‌گردد، بنا به مراتب استعا دارد نظر تفسیری آن شورای محترم را درمورد مدلول اصل نودونه قانون اساسی اعلام فرمایند.
نظریه شماره ۱۳۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱ شورای نگهبان

هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات
عطف به نامه شماره ۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۲ موضوع در جلسه ۱۳۷۰/۳/۱ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد .

«...نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیدا می‌شود...اصل پرسشی که در متن استعلام آمده است برمی‌گردد به کیفیت اجرا و کیفیت نظارت، تا جایی که فهم نگارنده برداشت دارد تاسیسی بین سؤال طرح‌شده یعنی شائبه تداخل اجرا که مربوط به وزارت کشور است و نظارت که مربوط به شورای نگهبان است، وجود ندارد؛ اما پاسخ شورای نگهبان عنوان نظارت استصوابی را که شامل تمام مراحل اجرایی که مربوط به وزارت کشور است، با نظارت، یکسان در نظر گرفت و همین زمینه‌ای شد که در تغییر بعدی قانون انتخابات اصل نظارت استصوابی با قانون عادی وارد قانون انتخابات شد.

انتخابات اسفند سال جاری از این‌باب حائز اهمیت است؛ در مجلس فعلی اتفاقاتی به وقوع پیوست و اعمالی از بعضی از نمایندگان سر زد که منجر به تشکیل پرونده قضائی برای آنان شد. افرادی که از فیلترها رد شده بودند؛ اما به مناسبت اعمال مجرمانه خود تحت تعقیب قرار گرفتند. حال پرسش این است نظارت در انتخابات مجلس آینده با چه متر و معیاری خواهد بود...افرادی که تأیید صلاحیت می‌شوند، فی‌الواقع صالحینی باشند تا مجلسی را تشکیل دهند، عصاره فضایل ملت و در رأس امور باشند. مجلس اول بدون این نحوه نظارت، به تصریح اعضای آن که هنوز در قید حیات هستند و البته فعالان سیاسی، بهترین مجلس بود؛ پس می‌توان مدل آن را همچنان ت سری داد.

شرق: شاکله اکثر فسادها به‌وجودآمدن موقعیت‌های تعارض منافع است. به این معنا که فرد یا سازمان در جایگاهی قرار می‌گیرد که در آن، بین منافع سازمانی و منافع اجتماعی تعارضی وجود دارد. اگر در این موقعیت‌ها انتخاب شخص یا سازمان به سمت منافع خودشان باشد، فساد رخ خواهد داد. بانک مرکزی و به‌طورکلی نظام بانکی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و درپیه‌هایی از تعارض منافع را در خود جای داده‌اند که می‌تواند موجب اختلال در نظام بانکی و اهداف آن یا حتی ایجاد فساد باشد؛ امکان عزل رئیس بانک مرکزی توسط رئیس‌جمهور، دولتی‌بودن ارکان شـورای پول و اعتبار و وجود قوانینی که امکان اعمال فشار دولت بر بانک مرکزی را فراهم می‌کنند، نمونه‌هایی از پرتگاه‌های تعارض منافع هستند که در این گزارش به آن پرداخته شده است. غلامعلی کامیاب، معاون پیشین ارزی بانک مرکزی اساسی‌ترین و جامع‌ترین نوع از تعارض منافع در بانک مرکزی را نفوذ دولتی‌ها در بدنه بانک مرکزی می‌داند که سیاست‌های آن را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده و رنگ‌بویی منافع دولتی به آن می‌دهد.

۲مصدار از تعارض منافع در بانک مرکزی

با توجه به ادبیات موجود مسئله تعارض منافع را می‌توان در دو دسته اصلی تعارض منافع شخص‌محور و سازمان‌محور معرفی کرد. باید در نظر داشت که تعارض منافع سطوح مختلف و گسترده‌ی بسیاری دارد؛ یکی از بخش‌های آن موضوع تعارض منافع در نظام بانکی و به‌طور اخص در بانک مرکزی است که جزء مسائلی بوده که به‌شدت مورد توجه کارشناسان سیاست‌گذاری عمومی در کشور قرار گرفته است. بیشترین دغدغه کارشناسان درباره بانک مرکزی به استقلال این نهاد از دولت و شبکه بانکی مربوط می‌شود. ظاهرا شفاف‌ترین نوع از تعارض منافع که اتفاقاً استقلال بانک مرکزی را هم نشانه گرفته است، دخالت دولت در سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی در حوزه‌های پولی و مالی است.

در توضیح این امر خوب است به دو مصداق اشاره کنیم. اول اینکه طبق قانون رئیس بانک مرکزی موظف به اجرای سیاست‌های مناسب برای توسعه کشور است. در طرف دیگر گاه دولت در صورت کمبود بودجه علاقه‌مند به انتشار پول، اوراق قرضه یا مواردی از این دست است. اینها همه در شرایطی است که رئیس‌جمهور می‌تواند با استناد به «عدم توانایی یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی یا در تحقق اهداف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» رئیس بانک مرکزی را عزل کند؛ یعنی در اینجا دولت این‌امکان را دارد که برای دستیابی به اهداف خود بانک مرکزی را تحت فشار قرار دهد. مسلما در چنین شرایطی بانک مرکزی در حالت تعارض منافع قرار می‌گیرد. او با باید خواست دولت را بپذیرد و استقلال

اقتصاد

معاون پیشین ارزی بانک مرکزی ضمن ضروری دانستن اصلاح قانون بودجه مطرح کرد

نفوذ دولتی‌ها در بدنه بانک مرکزی



خود را خدشه‌دار کند یا در خدمت منافع ملی حرکت کند و نیاز دولت را به اهداف توسعه‌ای ترجیح ندهد. دو نمونه از مهم‌ترین مصادیق این موارد در سال‌های اخیر مربوط به ابراهیم شیبانی و طهماسب مظاهری است که می‌تواند موجب اختلال در نظام بانکی داندند. براساس نقل‌قول‌های رسانه‌ها مخالفت با افزایش نقدینگی و سیاست‌های بانکی احمدی‌نژاد و تقاضاهای متعدد وزیر کار دولت

نهم در تزریق نقدینگی به‌صورت وام به بنگاه‌های زودبازده و همچنین مخالفت با کاهش نرخ بهره بانکی هنگامی که تورم بالای ۲۹ درصد بود، دلیل اصلی این استعفا بود.

دوم اینکه مواردی از نفوذ دولتی‌ها در سیستم بانک مرکزی وجود دارد؛ ازجمله اعضای شورای پول و اعتبار در بانک مرکزی که به‌جز دو عضو مابقی همه از ارکان دولت هستند. طبیعتاً این

موضوع به‌صورت گسترده‌ای به تعارض منافع در سیاست‌های تعریف‌شده از سوی شورای پول و اعتبار منجر می‌شود. در این حالت نمی‌توان متصور بود سیاست‌های بانک مرکزی چندان متفاوت از منافع دولت و صرفاً در جهت توسعه و منافع عمومی باشد.

قوانین بودجه بر تعارض منافع دامن می‌زند

در کنار این دو مورد غلامعلی کامیاب هم به قوانین اشاره می‌کند که موجب می‌شوند بانک مرکزی بیش‌ازپیش تحت فشار و در موقعیت تعارض منافع واقع شود. او می‌گوید: در نگاهی جامع می‌توان گفت قوانین نظام‌بانکی ما تماماً باید از استقلال بانک مرکزی حمایت کنند و طوری تنظیم شده باشند که استقلال را

فرض کنید دولت قصد دارد

محصولات کشاورزی را با قیمت تضمینی بخرد، پس به بانک مرکزی توسط برخی قوانین فشار می‌آورد که پول جور کند، بانک مرکزی هم این فشار را به بانک‌ها منتقل می‌کند،

بانک‌ها هم از طرفی این پول را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهند، اما در طرف دیگر حساب‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی فرمز می‌شود؛ یعنی دولت رسماً محصولات کشاورزی را با پول بانک مرکزی خریده است

•

فشار دولت و دولتی‌ها هم مقاومت کند. کامیاب می‌افزاید: ترکیب شورای پول و اعتبار را در نظر بگیریم؛ وقتی چند وزیر آنجا می‌نشینند چه کاری از دست بانک مرکزی برمی‌آید؟ بی‌شک آنها به دنبال منافع سازمانی خودشان هستند و اهداف سازمانی خودشان را در بدنه بانک مرکزی جست‌وجو می‌کنند، درحالی‌که شورای پول و اعتبار باید جنبه حرفه‌ای و علمی برای کنترل داشته باشد. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم در اینجا مشکلی که پیش می‌آید مربوط به قانون اساسی است. طبق قانون گفته می‌شود فقط هیئت وزیران است که می‌تواند مقرراتی را وضع کند که در کشور جاری شود. شورای پول و اعتبار اما این

توان را ندارد پس به‌ناچار چند وزیر در شورای پول و اعتبار قرار می‌دهند. قطعاً در اینجا بانک مرکزی استقلال نخواهد داشت.

او تأکید می‌کند که حضور دولت در بدنه بانک مرکزی سیاست‌های آن را شدیداً تحت‌تأثیر قرار داده است و توضیح می‌دهد: فرض کنید دولت قصد دارد محصولات کشاورزی را با قیمت تضمینی بخرد، پس به بانک مرکزی توسط برخی قوانین فشار می‌آورد که پول جور کند، بانک مرکزی هم این فشار را به بانک‌ها منتقل می‌کند، بانک‌ها هم از طرفی این پول را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهند، اما در طرف دیگر حساب‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی فرمز می‌شود؛ یعنی دولت رسماً محصولات کشاورزی را با پول بانک مرکزی خریده است. نتیجه چنین سیاست‌هایی هم غالباً افزایش نقدینگی و تورم است. اینها همه قوانین است؛ قوانینی که بانک مرکزی را دچار تعارض منافع کرده است. فرض کنید اختیار عزل رئیس بانک مرکزی را هم از رئیس‌جمهور گرفتیم، با این دست قوانین چه باید بکنیم؟ کافی است قانون بودجه را باز کنید و ببینید در هر صفحه آن چندبار از بانک مرکزی نام برده شده است. اگر قرار بر استقلال بانک مرکزی است، اول باید آن قانون را طوری بنویسید که نام بانک مرکزی اصلاً در آن نباشد.

کامیاب عنوان می‌کند که مهم‌ترین بخش‌هایی که بانک مرکزی در آن تحت فشار دولت قرار می‌گیرد یکی بحث تزریق نقدینگی و یکی تصمیم‌گیری درباره نرخ ارز است. او اضافه می‌کند: این فشار از طریق انواع مواردی که دولت می‌تواند به بانک مرکزی فشار بیاورد اعمال می‌شود. اگر قرار است بانک مرکزی مستقلی وجود داشته باشد، قبل از هرچیز باید قوانین در این جهت اصلاح شوند. ما یا با اجبار قانونی بانک مرکزی را تحت فشار می‌گذاریم یا حتی بدون اجبار قانونی و صرفاً چون بانک مرکزی را عضو کمیسیون‌های مختلف قرار داده‌اند. درواقع چون آن کمیسیون‌ها تصمیم‌گیرنده هستند و بسیاری از آن تصمیمات هم خیلی‌وقت‌ها در هیئت دولت تبدیل به مصوبه می‌شود و چون مصوبه هیئت دولت در حکم قانون است، پس بانک مرکزی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. راه‌حلی که این مدیر اسبق ارزی بانک مرکزی برای مسئله تعارض منافع در این حوزه مطرح می‌کند این است: برای حل این مشکل باید بسیاری از قوانین از جمله قوانین برنامه، سایر قوانین و خصوصاً قوانین بودجه اصلاح شود و بانک مرکزی مجبور نشود تصمیمات کمپنه‌ها و کمیسیون‌های مختلف را تحت فشار اجرا کند. در‌حال حاضر بانک مرکزی توسط همه دستگاه‌ها دولتی در فشار است. بانک مرکزی در موقعیتی قرار گرفته که برای انجام وظایفش در راستای منافع عمومی مجبور به مذاکره و چانه‌زنی شده است.

خبر

افزایش ۱۷۴/۶ درصدی قیمت زمین در فصل بهار

● بر اساس آخرین بررسی‌ها، افزایش ۱۷۴.۶درصدی قیمت فروش یک مترمربع زمین با زمین ساختمان مسکونی کلنگی و افزایش ۳۵۰درصدی متوسط مبلغ اجاره به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی در بهار ۹۸ نسبت به بهار ۹۷ در شهر تهران به دست آمده است.به گزارش ایلنا، بر اساس آخرین بررسی‌ها افزایش ۱۷۴.۶ درصدی قیمت فروش یک مترمربع زمین با زمین ساختمان مسکونی کلنگی، افزایش ۱۰۹.۶درصدی قیمت فروش یک مترمربع زیربنای مسکونی و افزایش ۳۵۰درصدی متوسط مبلغ اجاره به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی در بهار ۹۸ نسبت به بهار ۹۷ در شهر تهران به دست آمده است.بنگاه‌های معاملات ملکی کشور موظف هستند مشخصات همه معاملات خرید و فروش و اجاره و در سامانه اطلاعات مدیریت معاملات املاک و مستغلات کشور ثبت کنند. با توجه به اینکه کاهش یا افزایش حجم (تعداد) معاملات در مناطق شهر تهران باعث کاهش یا افزایش شدید متوسط (حسابی) قیمت در سطح کل شهر می‌شود، از متوسط تعدیل‌شده (وزنی) که در آن وزن با استفاده از سهم واحدهای مسکونی دارای سکنه محاسبه می‌شود، استفاده شده تا بتوان با حذف اثر حجم معاملات، تغییرات واقعی قیمت را مشخص کرد.

بنزین سوپر نایاب شد

● شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی اقدام به صادرات بنزین سوپر کرده است و به مصرف‌کنندگان بنزین سوپر در داخل کشور پیشنهاد می‌کند به‌جای بنزین سوپر از بنزین یورو ۵ و ۴ استفاده کنند.به گزارش فارس، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی از افزایش ظرفیت تولید بنزین ایران به حدود ۱۱۵ میلیون لیتر در روز خبر داده و تأکید کرده است: ایران به بزرگ‌ترین تولیدکننده بنزین در بین کشورهای عضو اوپک تبدیل شده است.باین‌حال، هم‌زمان با ظرفیت‌سازی تولید بنزین، عرضه بنزین سوپر در کلان‌شهرهای کشور همچون تهران متوقف یا به صورت قطره‌چکانی انجام می‌شود؛ مشاهدات خبرنگار فارس از وضعیت جایگاه‌های سوخت، حتی در مرکز و شمال تهران، حاکی از آن است که مدت‌هاست بنزین سوپری در این جایگاه‌ها عرضه نشده است.آمارهای رسمی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی، نشان می‌دهد متوسط مصرف روزانه بنزین سوپر سال گذشته حدود ۲۰۵ تا سه میلیون لیتر در روز بوده است. هم‌زمان با افزایش تولید بنزین با بهره‌برداری از فاز سوم ستاره خلیج‌فارس، عملاً باید مشکل عرضه بنزین سوپر حل شده باشد؛ زیرا بنزین این پالایشگاه دارای ۵۰ پی‌پی‌ام گوگرد و با اکتان بین ۹۳ تا ۹۵ است؛ اما با بهره‌برداری از فاز سوم پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس نشتانه عرضه بنزین سوپر در کشور افزایش نیافته، بلکه عرضه این نوع بنزین عملاً قطع شده است.

خبر ویژه

علیرضا محجوب:

شناخت برخی از نمایندگان و آحاد جامعه از قطعه‌سازی کم است

● نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی گفت: وقتی نمایندگان ملت از کیفیت خودرو صحبت می‌کنند، کیفیت در خط مونتاژ خودرو نیست، کیفیت و دقت در صنعت قطعه‌سازی است که خوشبختانه میزان دقتی که امروز در بازپردی از کروژ شاهد بودم، به عبارتی باید بگویم فرادقت است.رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی از سایت شماره ۲ شرکت کروژ، فعالیت‌ها و خطوط تولید و مراکز طراحی و تولید دستگاه‌های صنعتی این بنگاه اقتصادی بازدید به عمل آورد. این بازدید از دیدگاه علیرضا محجوب بازدید از یک شرکت موفق خصوصی با ساختار مناسب و بهره‌ور ترسیم و درخواست شد تا ترتیبی اتخاذ شود که سایر نمایندگان ملت نیز با بازدید از شرکت قطعه‌سازی کروژ به اهمیت و جایگاه صنعت قطعه‌سازی بیش از گذشته پی ببرند. علیرضا محجوب، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس با پرسیدن این‌که شناخت نمایندگان و آحاد جامعه از توان قطعه‌سازی کم است، تصریح کرد: فکر می‌کنند قطعه نوعی ریخته‌گری ساده است، حتی همین موضوع برای برخی همکاران نیز اهمیتش آن‌قدر روشن نیست، این ترتیبی را که آغاز کردیم، ادامه دهید. حداقل فایده‌اش این است که خیلی از مردم و حتی نمایندگان ملت برایشان ملموس می‌شود که صنعت قطعه‌سازی چقدر اهمیت دارد و بعد از آن مُبلغ این کار مهم خواهند شد. محجوب با تأکید بر اینکه بعضی کشورها به‌جای خودروسازی، قطعه‌سازی را شروع کرده‌اند، بیان کرد: کشور ترکیه خودروساز نیست اما قطعه‌ساز است، ازاین‌رو هرچه مونتاژ کند، از ایران جلوتر خواهد بود؛ چون صنعت را از جای درست آغاز کرده است. او ادامه داد: وقتی نمایندگان ملت از کیفیت خودرو صحبت می‌کنند، کیفیت در خط مونتاژ خودرو نیست، کیفیت و دقت در صنعت قطعه‌سازی است که خوشبختانه میزان دقتی که امروز در این بازدید شاهد بودم، به عبارتی باید بگویم فرادقت است.

به‌دنبال تخصیص منابع باشد، در صدد تأمین منابع است درحالی‌که شرایط سخت فعلی ایجاب می‌کند تخصیص درست و به‌موقع باشد. رئیس اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از رویکرد بانک‌های خصوصی و موفق‌نبودن این بانک‌ها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده گفت: بر اساس برنامه سوم توسعه، تأسیس بانک‌ها توسط بخش غیردولتی با هدف افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی، تشویق پس‌انداز و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور مجاز شدند ولی امروز سؤال اینجاست که چرا قانون‌گذاران و کارشناسان کشور به دنبال اهدافی که برای بانک‌های خصوصی در نظر گرفته شده بود، نیستند و اگر ما به اهداف خود نرسیده‌ایم، این اصرار برای ادامه روند فعلی چیست؟

او با اشاره به تأمین سرمایه بلندمدت بنگاه‌ها از طریق بازار سرمایه و تأمین مالی کوتاه‌مدت بنگاه‌ها توسط سیستم بانکی، گفت: در شرایط فعلی سوال این است که آیا بازار سرمایه ایران به اندازه کافی پویا، سالم و توانمند است که بتواند این مهم را تأمین کند؟ درحالی‌که شناخت ما از بازار سرمایه این اعتبار را تأمین نمی‌کند.

رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: اگر بخواهیم بنگاه‌های تولیدی و صنعتی را توسعه دهیم باید تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را با نرخ رقابتی در دنیا انجام دهیم.

شافعی با تأکید بر استقلال جایگاهی بانک مرکزی، خواستار حفظ استقلال فکری مدیران بانک مرکزی در مقابل فشارها شد و گفت: منافع ملی باید خط قرمز شما در تصمیمات باشد و انتظار از بانک مرکزی این است که مدیران این بانک با استفاده از ابزارهای در اختیارشان، ثبات پولی را حداقل در میان‌مدت تضمین کند. او با اشاره به تجربه کشورهای دیگر دنیا در موضوع ارتباط رشد پولی و تورم گفت: در بسیاری از کشورهای دنیا رشد پول لزوماً منجر به تورم نمی‌شود و این موضوع به سطح اعتماد جامعه به پول و سیاست‌گذاری‌های پولی از سوی بانک مرکزی برمی‌گردد. رئیس اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از برخی بانک‌ها که به‌دنبال سوءاستفاده از شرایط هستند، گفت: کلیت سیستم بانکی باید پشت‌سر بانک مرکزی برای تحقق اهداف بانک مرکزی باشد نه اینکه برخی بانک‌ها درصدد بهره‌برداری از شرایط مالی در کشور در فرصت‌هایی مانند افزایش نرخ ارز، بهره و خرید و فروش ارز در بازار باشند. شافعی با بیان اینکه پول نباید از چرخه مولد به چرخه دیگری منحرف شود، تأکید کرد: برای این مهم لازم است رشد افقی سیستم بانکی متوقف شده و بانک‌ها به سمت افزایش بهره‌وری حرکت کنند. به گفته او، حجم اقتصاد ایران نیازمند این همه بانک و مؤسسات مالی و اعتباری نیست و رقابت‌های مخرب در نظام بانکی می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری داشته باشد.